

از طریق کتاب‌های مرحوم شهید آوینی، معنای درست و رویکرد صحیحی که ما در نسبت انقلاب اسلامی باید در غرب‌شناسی داشته باشیم، به‌دست آورید

شماره پرسش: ۱۷۰۶۱

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۵/۵/۲۲ ۰۱:۱۴:۱۰

متن پرسش

با سلام خدمت استاد بزرگوار چند تا سوال از محضرتان داشتم: ۱. موضع شاه در مقابل مسئله نقد غرب چه بود؟ اینکه گفته می‌شود شاه با این مسئله مشکلی نداشت درست است؟ اگر درست است علت آن چه بود؟ ۲. چرا عمده کسانی که در مسیر غرب‌شناسی فردیدی قرار می‌گیرند از انقلاب و فضای حماسی آن دور می‌شوند و به نوعی روشنفکری منفعل و البته منتقد تبدیل می‌شوند؟ آیا این دستگاه غرب‌شناسی مشکل دارد یا مشکل از جای دیگری است؟ ۳. چه خصوصیتی در غرب‌شناسی فلسفی نهفته است که هر کس که به آن دل می‌دهد از درون دچار یک حرارت و شوریدگی عجیبی شده و وجودش دچار تلاطم و بی‌قراری می‌شود؟ ۴. آیا امکان دارد به لحاظ ثبوتی حرف‌های اندیشمندان غربی مطابق با حقیقت باشد؟ آیا در عالم اثبات واقع هم شده است؟ با توجه به اینکه برخی قائلند کفار و غیر شیعه هیچ‌گاه حرف حقی ندارند و اگر هم حرف حقی بر زبانشان جاری می‌شود از شیعه به عاریت رفته است. ممنون.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گفت: «تو پای به راه در نه و هیچ پرس / خود راه بگویدت چون باید کرد». از نوع سؤالاتتان برمی‌آید که چندان در جریان غرب‌شناسی آن‌طور که باید و شاید نیستید. پیشنهاد اولیه‌ی بنده آن است که از طریق کتاب‌های مرحوم شهید آوینی، معنای درست و رویکرد صحیحی که ما در نسبت انقلاب اسلامی باید در غرب‌شناسی داشته باشیم، به‌دست آورید و سپس باز به سؤالات خود بنگرید، در آن صورت موضوع فرق خواهد کرد. آن‌هایی که می‌گویند نیاز نیست به غیر شیعه رجوع کرد؛ باید متذکر این سخن علی «علیه‌السلام» باشند که حضرت می‌فرماید: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ وَ هُوَ عِلْمٌ مَعْرِفَةَ النَّفْسِ وَ فِيهِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ» در این حدیث حضرت می‌فرمایند مراد از علمی که باید در چین به دنبال آن بود علم معرفت النفس است که سبب معرفت خداوند عزوجل می‌شود. "من عرف نفسه عرف ربه". مراد از چین احتمالا کنایه از دوری باشد. موفق باشید